

به‌ویژه از نوع یک‌جانبه و گسترده آن از ۱۹۸۹ به بعد از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. (قاسمی، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۹۴:۳۸۵) دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بازدارندگی متعارف است، این نوع از بازدارندگی معطوف بر استفاده از نیروها، تجهیزات و ادوات متعارف است. نقطه ثقل تسلیحات و تجهیزات متعارف نظامی ایران را تسلیحات، سامانه‌ها و سیستم‌های موشکی تشکیل می‌دهد. در بازدارندگی متعارف منطقه‌ای، سیستم‌های موشکی دارای کارکردهای مقابل خواهند بود: (۱) دستیابی به تأسیسات و نقاط حساس چالشگران منطقه‌ای و هدف‌گیری آن‌ها و در نتیجه اعمال تهدید در صورت کنش استراتژیک چالشگر و در نتیجه اعمال تهدید در قالب تلافی گسترده یا پاسخ انعطاف‌پذیر علیه آن (در قالب بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده)؛ (۲) دستیابی به نقاط استراتژیک یعنی متحدین منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر توسط قدرت چالشگر منطقه‌ای (به‌منظور امکان‌پذیری بازدارندگی مثلی)؛ (۳) معتبر ساختن بازدارندگی شبکه‌ای منطقه‌ای از طریق ممکن ساختن کنترل بر فرایندهای بازخورانی بین اجزای شبکه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۹۸) اساساً باید توجه داشت که سیستم‌های موشکی یکی از ابزارهای استراتژیک بازدارندگی محسوب می‌شوند و از همان ابتدا این دو به‌عنوان مکمل یکدیگر عمل می‌کرده‌اند، فی‌الواقع بازدارندگی دارای اصول منطقی خاصی است که سیستم‌های تهاجمی موشکی سبب تحقق چنین منطقی در عرصه روابط بین‌الملل خواهند شد. لذا ضرورت مربوط به محیط استراتژیک جهانی، منطقه‌ای و محلی، متغیرهای مرتبط با فضا، دسترسی به تأسیسات حیاتی دشمن، اعمال تهدید، معتبر ساختن تهدیدات، ممکن ساختن اصل تلافی گسترده از جمله کارکردهای سیستم‌های تهاجمی موشکی است که به‌عنوان شرایط و اصول منطقی تحقق بازدارندگی نیز خواهد بود. (قاسمی، نظریه‌های روابط بین‌الملل (بنیان‌های نظم و رژیم‌های بین‌المللی)، ۱۳۹۲: ۵۰۱) گرچه واحدهای سیاسی با استقرار و تأسیس سیستم‌های دفاع استراتژیک موشکی به‌دنبال خنثی‌سازی اثرات سیستم‌های موشکی بوده‌اند، اما واقعیت آن است که سیستم‌های دفاع استراتژیک موشکی تاکنون موفقیت‌های